

۱۲ فرهنگ دین‌وآیین جامجم

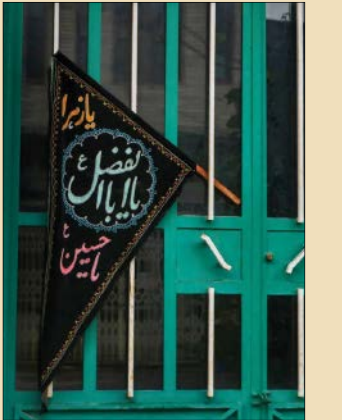
شور حسینی

خانه‌ها را موکب کنیم

حجت‌الاسلام سید علیرضا حسینی یکی از سخنرانان مذهبی کشور، پیشنهاد کرده بازن پرچم و اطعام عزاداران، هر خانه را تبدیل به یک موکب کنیم. امسال اگر چه راهپیمایی باشکوه اربعین حسینی(ع) برگزار می‌شود اما تعداد جاماندگان کم نیستند و محدودیت‌های اجرای این آئیین بزرگ سبب شده خیلی‌ها از سفر اربعین باز بمانند. برای این جاماندگان و نیز برای کسانی که به هر دلیل امکان مشارکت در راهپیمایی با شکوه آن را ندارند، برنامه‌هایی در شهرها تدارک دیده شده اما حجت‌الاسلام حسینی در گفت‌وگویی که با خبرنگاری مهر داشته، پیشنهاد کرده است: در نکوداشت حماسه بزرگ اربعین می‌توانیم شرایط را با حضور هیئات و گروه‌های مختلف با ایجاد موکب‌ها، پیاده‌روی اربعین را در محله خود شبیه‌سازی کنیم.

حجت‌الاسلام سید علیرضا حسینی از سخنرانان مذهبی کشور با اشاره به آیه ۸ سوره مبارک صف پیرامون حاکمیت اراده الهی در برابر هر نوع خواسته و مخالفتی، اظهار کرد: همه انسان‌ها در برابر اراده الهی ناتوان هستند و خداوند متعال اراده کرده که نور ایاغید... الحسین(ع) را به نهایت کمال برساند که هم اکنون این نور در کل عالم فراگیر شده است.

او در ادامه درباره موضوع اربعین گفت: در روایات مختلف اشاراتی به اهمیت زیارت اربعین داریم و ما در نکوداشت این حماسه بزرگ می‌توانیم در کوچه و محلات، شرایط را با حضور هیئات و گروه‌های مختلف با ایجاد موکب‌ها و بخش نغمات مرتبط، به همان شکل و شمایل پیاده‌روی اربعین در کربلا ایجاد و شبیه‌سازی کنیم که البته این اتفاق در برخی شهرهای ایران اجرامی‌شود و مردم به صورت خودجوش فضا را اربعینی کرده‌اند.



حجت‌الاسلام حسینی تأکید کرد: به هیئات و خانه‌ها پیشنهاد می‌کنم که در ایام اربعین پخت و پزهایی داشته باشند و با عنوان «هر خانه یک موکب» بازنن پرچم‌هایی بر سر در خانه‌ها و دادن اطعام به زوار حسینی پذیرایی هرچند مختصری به عمل بیاورند.

او افزود: از تمامیت ظرفیت رسانه، از تلفن همراه شخصی گرفته تا رسانه‌های مختلف خبری و مکتوب و همچنین صدا و سیما جهت پوشش حضور بزرگان ادیان مختلف در ایام اربعین استفاده کنیم و این کنش بزرگ را باید به عالم نشان داد. حجت‌الاسلام حسینی گفت: فرامولی‌بودن شخصیت امام حسین(ع) به این معنی است که در ایام اربعین از اکثر کشورهای دنیا به کربلا می‌آیند و فرامذهبی‌بودن ایشان به این معنی است که از اکثر ادیان و مذاهب در اربعین به زیارت سیدالشهداء مشرف می‌شوند و این از معجزات اباعبد... الحسین(ع) است.

این سخنران آیینی در پایان با تأکید بر ایجاد پیوند عمیق بین دو ملت ایران و عراق با معوریت جهاد و اربعین گفت: اربعین را یک فرصت بدانیم و از نقاط مشترک بین دو ملت مانند استفاده از شعارهای حسینی «حب الحسین یجمعنا»، استفاده از تصاویر حاج قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس به عنوان نماد جهاد، بخش توجه‌هایی که به‌طریقی به ایجاد ارتباط کمک می‌کنند و با دعوت از زوار عراقی برای حضور در موکب‌ها می‌توان در جهت بهبود روابط استفاده کرد.



پیاده‌روی اربعین جلوه‌ای از عشق به امام حسین(ع) است که مرزهای جغرافیایی را در نوردیده است

عکس:

تسنیم



تعداد مشخص در چیست؟

تعداد مشخص در چیست؟

یکی از سوال‌هایی که جناب‌عالی طرح کردید نقش اعداد در هستی است. از جمله عدد ۴۰ و چون این ایام هم تناسب دارد با این مباحث و ما اربعین را در پیش داریم، مناسب است نقش تکوینی اعداد در هستی و نقش تکوینی عدد ۴۰ و ارتباطش با اربعین امام حسین(ع) تبیین شود. از نگاه عرفان اسلامی، اساس هستی یک حقیقت واحد است که همه‌ظهورات از اوست. او همه‌جا را پر کرده‌است و همه موجودات و مراتب هستی ظهورات او هستند. اگر این حقیقت را بخواهیم با عدد تعبیر کنیم، عدد یک نزدیک‌ترین تعبیر برای بیان آن حقیقت است؛ زیرا تکثر اعداد در واقع تکثر همان واحد و تکثر عدد یک است. به عبارتی عدد دو، دو تا یک است و عدد سه، سه تا یک. لذا از این جهت اساس همه اعداد «یک» است. اما آنجا که بحث پیدایش و تکثر مطرح می‌شود از نگاه عرفانی ابن عربی، منشأ پیدایش کثرات عدد ۳ است یا به عبارتی سه چیز منشأ پیدایش کثرات در عالم است: اول، ذات الهی، دوم، تجلی الهی در قالب فاعلیت و سوم، تجلی الهی در قالب قابلیت که البته این دو تجلی آخری از خودشان به تنهایی چیزی ندارند هرچه دارند از همان اولی است. پس همین است که می‌گوییم اساس هستی همان عدد یک است. این جنبه فاعلی و جنبه قابلی هم دو ظهور از ظهورات حق هستند. مولوی در مثنوی می‌گوید: این یکی جودش گدا آرد پدید، وان دگر بخشد گدایان را مزید با یک جنبه از جودش، نقش فاعلی را ایفا می‌کند و گدا می‌آفریند. منظور از گدایان، اعیان ثابت‌ه هستند و همان جنبه قابلی موجودات که فیض را قبول می‌کنند.

این گدا همان تعبیر عین ثابت‌ه در عرفان است که صورت پیش از خلقی موجودات است. آن جنبه از ظهور حق که جنبه ایجادی است به‌صورت فیض اقدس باعث شده اعیان ثابت ایجاد شود.

ویژه‌برنامه‌های اربعین در حرم عبدالعظیم^(ع)

ویژه‌برنامه‌های سوگواری ایام منتهی به اربعین حسینی در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی^(ع) در شهری تهران برگزار می‌شود.

به گزارش جام‌جم ویژه‌برنامه شب اربعین، امشب با سخنرانی حجت‌الاسلام ناصر رفیعی و مرثیه‌سرایی مجتبی باقری بعد از نماز مغرب و عشا در صحن



اسرار اربعین در گفت‌وگوی جام‌جم

باحجت‌الاسلام‌رضا الهی‌منش، استاد دانشگاه ادیان و مذاهب

چه رازی در عدد۴ نهفته است؟



زهراسادات هاشمی

جام‌جم

❖ می‌دانیم که عدد۴ در ادعیه‌و انکزار ازمینتی به‌سزابرخوردار است. به‌نظر شما اهمیت و خاصیت این‌عدد و چرایی تکرار انکار و آیات در

تعداد مشخص در چیست؟
یکی از سوال‌هایی که جناب‌عالی طرح کردید نقش اقدس، ظهور پیدا می‌کند و اثر این ظهور عبارت‌است از پیدایش اسماء... و اعیان ثابت‌ه. سپس با ظهور دیگر می‌آید این قابلیت‌ها را به فعلیت تبدیل می‌کند. یعنی هر عین ثابتی یک قابلیتی دارد. خداوند با فیض مقدس خود این قابلیت‌ها را در خارج محقق می‌کند. تعریف اجمالی اعیان ثابت‌ه این است که وجود پیش از خلق موجودات است. که زمان ندارند و ازلی است.

❖ یعنی آنچه در عالم بوده پیش از تجسم آنها؟

فراتر از عالم روح است. اعیان ثابت‌ه مرتبه‌ای از موجوداتند که پای‌مخلوق در کار نیست. روح هم یک مخلوق است. روح، نفس و اجسامه مادی همه مخلوق هستند. جهان خلقت سه مرحله دارد؛۱) جهان ارواح۲) جهان انفاس و ۳) جهان ماده. اینها در طول هم هستند اما همه مخلوق‌اند و همه اینها وجود پیش از خلقی دارند. حتی روح اک‌ه به این وجود پیش از خلقی، اعیان ثابت‌ه می‌گویند.

سه‌تا سوال از شما می‌پرسم که جواب آن را بگویید. سوال اول: خدا پیش از این‌که مخلوقی را بیا فرزند علم دارد که چه می‌خواهد بیا فرزند؟ پاسخ یله است.

سوال دوم: این علم خدا از چه زمانی است؟ پاسخ: ازلی است.

سوال سوم: می‌شود بگوییم کسی عالم است اما معلومی در کار نباشد؟ امثل این‌که بگوییم کسی پدر است اما فرزندی در کار نباشد! نمی‌شود کسی پدر باشد ولی فرزند نداشته باشد. اینها مفاهیم اضافی و نسبی هستند پس عالم بودن، بدون معلوم محقق نمی‌شود.

اگر می‌گوییم خدا از ازل عالم است پس باید از ازل معلوم هم موجود باشد پس من و شما که از ازل معلوم خداوند هستیم پس از ازل وجود داشتیم. آن وجود پیش از خلقی ما را در عرفان،

خیر اربعین به عزاداران حسینی می‌رسد

بله هر چه هست در هستی تجلیات حق است. آن روحی که در چهل‌به بدن تعلق می‌گیرد در انسان معمولی تا برسیم به بدن انسان کامل این روح نماینده‌ای از فیوضات حق است. این روحی که در چهل‌به بدن تعلق می‌گیرد همراه فیوضات از جانب پروردگار است و من و شمایی که رقتیم سر قبر عزیزمان که فوت شده از آن الطاف بهره‌مند می‌شویم. ضمنا وقتی این روح به بدن تعلق می‌گیرد خیراتی که ما برای او انجام می‌دهیم، بیشتر جذب متوفی می‌شود و در مورد زیارت قبور اهل بیت این خیرات برای ما ست نه این‌که به امام تأثیری بگذاریم. این زیارت رفتن مادر چهل‌مادگی و تزکیه‌ای برای خودمان ایجاد می‌کند. همان‌طور که صلوات بر پیامبر(ص) تأثیرش برای خود ماست. در زیارت جامعه هست که: صلوات برای ما تزکیه و طهارت خاصی می‌آورد. در چهل‌م امام حسین(ع) فیوضاتی نازل می‌شود که

امام حسین^(ع) با حضور جمعیت و رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی برپا خواهد شد. ویژه‌برنامه‌های قرانت زیارت اربعین در ظهر روز اربعین از ساعت ۱۱ و همچنین در همین روز از ساعت ۱۳ و۳۰ دقیقه با سخنرانی حجت‌الاسلام حائری زاده و مرثیه‌خوانی مرتضی طاهری(بدون حضور جمعیت) روی آنتن زنده شبکه قرآن و

هفت تاهستند: حی، علیم، قدیر، مرید، سمیع، بصیر و متکلم.

پس برای پیدایش هر موجودی این هفت‌تا دست‌به‌دست هم می‌دهند. هر موجودی مظهر حیات است حتی موجوداتی هم که به‌نظر ما جان ندارند و جماد هستند از نگاه قرآن زنده‌اند. قرآن می‌فرماید: هیچ ذره‌ای از ذرات عالم نیست مگر این‌که تسبیح‌گوی حق است و شما آن را نمی‌بینید.

اگر تسبیح‌گوی هست پس حیات، علم، قدرت و اراده دارد و سمیع، بصیر و متکلم است. این هفت امهات اسماء در هر موجودی هستند.

❖ پس به این علت است که در انکار و ادعیه به عدد۷ تأکید شده است؟

بله در روایات است که اگر ۷ یا ۷۰ بار سوره حمد را بر مرده بخوانید مرده زنده شود تعجب نکنید. حالا برویم سراغ عدد۴۰ عدد۴۰ هم یک شیء است پس چون شیء است باطن دارد. باطن آن چیست؟ عین ثابت دارد. عین ثابت‌ه آن چیست؟ عدد۴ را که به زبان می‌آوریم پا روی کاغذ می‌نویسیم این‌ها امور اعتباری هستند پس برای من نوعی مفهوم چهل را می‌رسانند. زبان مانند رسم الخط، امری اعتباری است پس قراردادی هستند و به‌همین دلیل از ملتی به ملت دیگر فرق می‌کنند اما عدد۴ یک واقعیتی دارد که برای همه یکسان است.

❖ واقعیت آن بیابگر رمز روز این‌عدد است؟

❖ واقعیتش همان عین ثابت آن است؟
نه این واقعیت درجات دارد تا می‌رسد به عین ثابت آن. باطن این امور ظاهری یکی دو تا نیست. این باطن به یک تعبیر، یکی است به یک تعبیر هفت تا هفتاد تا، هزار و یک... و به تعبیر دیگر بی‌نهایت است. تازه خود عین ثابت هم نهایت نیست بالاتر از عین ثابت اسماء... است. هر شیء یک رب دارد و رب آن یکی از اسماء... است. این است که بزرگان فرمودند: اگر تو چه کنی دست بی‌وضو حتی به کرم یا به هر شیئی نمی‌زنید چون آن شیء ظهور اسماء... و بلکه خودش یکی از اسماء... است.

هر چیزی یک واقعیت دارد که آن واقعیت وابسته به اعتبار نیست و از ملتی به ملت دیگر فرق نمی‌کند. نمونه‌ای از این واقعیات که مورد بحث ماست عدد۴ است.

هیچ پیامبری به نبوت نرسیده مگر در ۴۰ سالگی. چهل در واقع حقیقتی است که انسان را به کمال می‌رساند. نهایت کمال انسان ۴۰ سالگی است. بعدها هر چه بدست می‌آید همان یافته‌های تا ۴۰ سالگی است که ممکن است شکوفا شود. نبوت انبیا در ۴۰ سالگی و کمال سلوکی انسان در ۴۰ روز است. اگر کسی ۴۰ روز اخلاص بوزرد می‌تواند به کمال برسد. در حدیثی از رسول خدا که شیعه و سنی ذکر کرده‌اند آمده است: هر کس ۴۰ روز اخلاص وزرد و اعمال خود را برای خدا خالص کند، خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش به زبانش جاری می‌کند.

❖ این روایت می‌تواند به معنیات۴ شبه‌حضرت موسی هم اشاره داشته باشد؟

بله عرض کردم آن هم هست. در واقع حقیقتی است به‌نام تأثیر ۴۰ که موسای کلیم(ع) هم برای رسیدن به کمال باید این ریاضت و بندگی ۴۰ شب را انجام دهد.

❖ دو بار هم در قرآن بر آن تأکید شده؛ آیات۱۵سوره بقره و ۱۲۲سوره اعراف.
بله و درباره عدد۴۰ گفته شده که ۴۰ سال طول کشید تا گل آدم سرشته شد و نفس به آن تعلق گرفت. خداوند در چند جا در این باره می‌فرماید که ما آدم را از خاک آفریدیم. در جای دیگری می‌گوید از حمامتوسفیت گل بدبو آفریدیم. در واقع این مراحل است که بر انسان گذشت تا تمهیدش شدن روح و تعلق نفس انسان به این پیکره.

باز در مورد عدد۴۰ روایت هست که اگر کسی تا ۴۰ سالگی خطایی مرتکب شود، فرشتگان کاتب اعمال مأمور هستند با مسامحه با او برخورد کنند و اگر کسی از چهل بگذرد خدا دستور داده با عدم مسامحه و سخت‌گیری با او برخورد کنند.

معارف سیما می‌رود. آستان مقدس حضرت عبدالعظیم^(ع) در اطلاعیه‌ای خطاب به راهپیمایان اربعین آورده است: در روز اربعین جز اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در نقاط تعیین شده، هیچ‌گونه برنامه دیگری که موجب توقف یا تجمع زائران باشد در آستان برگزار نخواهد شد.

پس می‌توانیم بگوییم خوش به سعادت کسانی که قبل از ۴۰ سالگی از دنیا بروند؟ حتما مورد عفو الهی قرار می‌گیرند چون بعد از چهل کار برای ما سخت خواهد شد.

نه نمی‌توان این‌گونه گفت. اگر کسی بعد از ۴۰ سالگی بندگی را ادامه دهد و شروع کند به انتشار دستاوردهایی که قبل از ۴۰ سالگی داشته این توفیقی است که خدا نصیب او کرده است. از این رو تقاضای مرگ مکرره است گرچه مستحب است انسان پیوسته برای مرگ آماده باشد. باز در مورد اسرار عدد۴۰ این است که انسانی که از دنیای می‌رود در او اائل فوت، روح با بدن انس دارد ولی این انس رفته‌رفته کم می‌شود اما در روز چهل‌م این روح دوباره اجازه دارد به بدن سر بزند و این‌که چهل‌م می‌گیرند به این دلیل است. در روایات آمده که روح ۴۰ روز بعد از فوت فرد به قبر او سر می‌زند.

اما راجع به اربعین امام حسین(ع). یک تفاوت اساسی که بین اولیای الهی به ویژه چهارده معصوم با بقیه انسان‌ها هست این است که آنها روحشان پیوسته بر جسم‌شان اشراق دارد و مثل بقیه مردم نیستند. در ابتدای کتاب کامل الزیارات آمده که حضرت امام حسن(ع) محضر جدشان حضرت رسول(ص) مشرف بودند و پرسیدند: یا جداه! ثواب زیارت شما چیست؟ حضرت در پاسخ یک قاعده کلی فرمودند که هر کس مرادر حیاتم و در مرامتم و هر کس پدرت را، برادرت را و تورادر حیات و ممات زیارت کند، بهشت بر او واجب است. بعد فرمودند اگر کسانی بعد از مرگ من به مدینه بیایند خودم سلام آنها را پاسخ خواهم داد.

این خاصیت ویژه تشرّف به حرم اهل بیت(ع) است پس نگوییم از همین جاسلام می‌دهم چه فرقی می‌کند؟ در این احادیثی که در کتاب کامل الزیارات آمده حضرت رسول(ص) می‌فرماید که من خودم جواب سلام آنها را می‌دهم.

❖ پس می‌توانیم بگوییم این است از اعتقاد شیعیان که برای زیارت مقابر مقدسه مخصوصا حرم اهل بیت(ع) حرکت قائل هستیم و خیلی‌ها مثل وهابیت به این احترام اعتقاد ندارند و حتی به همین دلیل ما را مشرک می‌خوانند. این اعتقاد ما طبق فرموده حضرت رسول(ص) است که حیات و ممات آنها مثل افراد عادی نیست و این فلسفه زیارت رفتن ماست؟

بله میحث ما این است که اولیای الهی مخصوصا حضرت رسول(ص) و اهل بیتش روحشان پیوسته بر جسم‌شان اشراق و احاطه دارد. از این رو رسول خدا فرمود: اگر به مدینه مشرف شدید خودم جواب سلام شما را می‌دهم لذا در اذن دخول زیارت نامه‌های انمه هست که اشهد مقامی و تسعیم کلامی و ترد سلامی. این برگرفته از حدیث نبوی است. در ادامه حضرت فرمودند: از دور به من سلام کنید سلام شما را به من می‌رسانند. پس تفاوت است بین سلامی که از دور باشد و مشرف شدن به زیارت ایشان.

❖ حتی دو زیارت نامه جداگانه برای حضرت رسول(ص) در کتاب مقاتب‌الجنان آمده یک زیارت هست که مخصوص تشرّف به حرم حضرت رسول(ص) در مدینه و زیارت دیگر از راه دور است؛ زیارت حضرت رسول(ص) من بعدی از راه دور.

بله و عرض مایین است با توجه به این‌که ارواح انشه معصومین(ع) حتی بعد از مرگ پیوسته بر جسم‌شان تعلق دارد پس چه معنایی دارد که زیارت امام حسین(ع) در اربعین ثواب خاص دارد؟ جوابی که به‌نظر می‌آید این است که روح امام حسین(ع) یک توجه ویژه‌ای پیدا می‌کند. خداوند متعال عنایت ویژه‌ای به روح امام حسین(ع) دارد که این عنایت ویژه اثرش به زائران او سرازیت می‌کند. انگار که روح ایشان در چهل‌م یک نورانیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که غیر از آن نورانیتی است که پیوسته برای روح امام است یعنی آثار و خیرات و برکاتی که از قبر آن حضرت در چهل‌م برای همه خلائق آشکار می‌شود، لطف ویژه‌ای از سمت خداوند متعال به زائران امام حسین(ع) است.



ویژه دیگری هم هست این‌که هر سال تنها چهل‌م که اول هر سال این برکات تکرار می‌شود. طبق حدیث امام حسن عسکری(ع) که فرمود: شیعه پنج علامت دارد: ۱- بسیم... بلند می‌گوید. ۲- اهل نمازهای نافله است. ۳- سجده‌های طولی انجام می‌دهد. ۴- انگشتر به دست راست می‌کند. ۵- اهل زیارت اربعین است. بر این اساس هر سال در چهل‌م شهادت امام حسین(ع) خداوند الطاف ویژه‌ای از طریق امام حسین(ع) بر زائران و محبان او نازل می‌کند و در واقع تعظیم اربعین شهادت امام حسین(ع) برای ما خیرات و برکاتی نازل می‌کند.

آخرین جمله‌ای که راجع به امام حسین(ع) باید گفت این است که باز یک لطف